



یادداشت 

۸ مارس از روز زنان کارگر تا روز جهانی زن

صادق کار



تلاشهایی که در دهه های اخیر برای سازماندهی جنبش زنان به عمل آمده بدون دستاورد نبوده، ولی چون اکثر این تلاشها محدود به لایحه های بالایی و متوسط جامعه بوده و تلاش درخوری برای همراه کردن لایحه های زحمتکش و کارگر با خود نکرده است نتوانسته اند گروه بزرگی از زنان را متشکل نمایند و مانع عمده ای بر سر راه سیاستهای زن ستیزانه حکومت بوجود آوردند. واقعیت این است که سازماندهی زنان خارج از محل های کار و خارج از اتحادیه های کارگری بسیار دشوار می نماید. هنوز هم مهمترین تشکیلات برای دفاع از مبارزات زنان در راه برابری اتحادیه های کارگری و احزاب سیاسی چپگرا هستند. متشکل شدن شمار بزرگی از زنان فرهنگی در شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان که یک تشکل اتحادیه ای سراسری ست به قدر کافی توضیح دهنده و آموزنده است

اعتصاب زنان کارگر در ۲۸ فوریه ۱۹۰۸ که در نیویورک انجام شد، اعتصابی علیه تبعیض مزدی و جنسیتی و استثمار مضاعفی بود که علیه زنان اعمال می شد. این اما به آن معنی نبود که تبعیض علیه زنان فقط در محل های کار و دادن دستمزدهای کمتر از مردان به زنان اعمال می شد. تبعیض جنسیتی در امریکا و تمام کشورها با درجات کم و بیش مشابهی وجود داشت. با این همه هیچ جریان و جنبشی به غیر از جنبش های کارگری و سوسیالیستها برای امحاء تبعیضات جنسیتی دغدغه به خرج نمی دانند و برای برابری جنسیتی تلاش و مبارزه نمی کردند. نیروهای بورژوازی در آن موقع بخاطر سود



اضافی کلانی که از استثمار مضاعف زنان می بردند، مخالف برابری زن و مرد بودند و آن را مخل نظم حاکم و سود خود می دیدند و با آن مخالفت و مبارزه هم می کردند. بورژوازی به رغم ادعاهای آزادیخواهانه اش زنان را حتا از حق رای محروم کرده بود. سر انجام هم آنهایی که توانستند حق رای خود را بر صاحبان سرمایه تحمیل کنند خود زنان بودند که بعد از کنگره سوسیالیستها در سال ۱۹۱۰ به سوسیالیستها پیوسته بودند و از طرف سازمانهای سوسیالیستی سازماندهی و حمایت می شدند.

بر خلاف انتظار خیلی ها این زنان اشراف و و مرفه نبودند که برای رفع تبعیض به پا خاستند، زنان کارگر نساج نیویورکی بودند که نخستین گام بزرگ در راه برابری جنسیتی را با اعتصاب شان به پیش برداشتند و زمینه جنبش نیرومند و ماندگار ۸ مارس را از آن پس با مبارزات متشکل شان در احزاب و اتحادیه های کارگری فراهم نمودند.

در سال ۱۹۱۹ در پرتو نیرومند شدن روز افزون جنبش سوسیالیستی آلمان که زنان سوسیالیست برجسته ای همچون روزالواکزامبورگ جز رهبران آن بودند بورژواهای آلمانی مجبور به پذیرش حق رای زنان شدند. در ایران نیز مانند سایر کشورها نخستین جریاناتی که از برابری جنسیتی حمایت و برای نیل به آن شروع به سازمان دادن زنان پیشرو و مترقی کردند جریانات چپ و سوسیالیستی بودند که بواسطه عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی وظیفه به مراتب سنگین تری از سوسیالیستها در اروپا و آمریکا را به عهده گرفته بودند.

بورژواها زمانی هم که نتوانستند از عالمگیر شدن ۸ مارس و جنبش جهانی زنان جلوگیری به عمل آورند سعی کردند با ابداع روز مادر و والتینا این روزها را بر جای ۸ مارس بنشانند و جنبش زنان و اهداف والای آن را تخطئه کنند. با این حال موفق به این کار نشدند.

امروز نیز بعضی از نیروها تلاش می کنند با طرح پاره ای از مطالبات زنان که هزینه اقتصادی چندان برایشان ندارد خواسته های اساسی تر جنبش زنان را به محاق ببرند و مطالباتی مانند دستمزد برابر و وجود تبعیضات شغلی و جنسیتی را طبیعی جلوه دهند و زنان را از مسیر مطالبات عاجلترشان منحرف کنند. در رژیم فقهی حاکم تا روز زن را نیز تغییر داده و تولد فاطمه را که از هیچ لحاظ سنخیت و ارتباطی با اوضاع و احوال زمانه ما و اهداف جنبش زنان ندارد جایگزین آن کرده اند. با این همه اما زنان ایران همچنان ۸ مارس را روز خود و سبب جنبش خودشان می دانند و آن را همه ساله گرامی می دارند. رژیم نازی ها در آلمان نیز که علرغم ظاهر مدرن خود از روز جهانی زن و جنبش نیرومند زنان در آلمان خوشش نمی آمد پس از رسیدن به قدرت روز جهانی زن را در آلمان منحل کرد و بسیاری از رهبران آن را سر به نیست و یا روانه اردوگاه های کار اجباری کرد و روزی را به نام روز مادر برای خالی نبودن عریضه به جای روز زن نشانند که پس از پایان عمر ننگین رژیم فاشیستی هیتلر روز جهانی زن دو باره برقرار گردید.

در ایران نیز از همان هنگام تبعیض مزدی میان زنان و مردان کارگر وجود داشت و بیداد می کرد. تعداد کارگاه های بزرگ با کشورهای صنعتی قابل قیاس نبود با این همه در همان هایی نیز که وجود داشت، از زنان و کودکان استفاده می شد و دستمزد زنان کمتر از مردان و کودکان کمتر از زنان بود. برای نیروی کار در واقع هر کجا که بود در آن دوره آسمان هم رنگ بود. اگر در آمریکا و انگلیس ... استثمار مضاعف زنان در نساجی ها عمده بود، در ایران در کارگاه های قالیبافی. در کارخانهای نساجی محدودی نظیر "وطن" هم که وجود داشت وضع در اشلی کوچکتر مشابه همان کارخانه های بزرگ نساجی در شیکاگو و منچستر و غیره بود.

در طول نزدیک به یک قرن در ایران نیز تغییر و تحول مثبتی قابل توجهی در زندگی و شرایط و وضعیت زنان کارگر بوجود آمده است. این تحولات بیش از هر چیز نتیجه فعالیت اتحادیه ها و سازمانهای کارگری طی یک قرن گذشته بویژه از دوره انقلاب مشروطه به بعد است که سازمانهای سوسیالیستی و سندیکایی توانسته اند زنان پیشرو و بخشی از زنان زحمتکش و کارگر را جذب نموده و با کمک خود زنان مبارز و آگاه وضعیت زنان را دگرگون نمایند.

اگر شاه مجبور شد به رغم مخالفت روحانیون مرتجع و دارودسته خمینی در سال ۴۲ سر انجام حق رای زنان را با تاخیر زمانی بسیار با وجود فرمایشی شدن انتخابات برسمیت بشناسد عمدتا نتیجه فعالیتها و درخواستهای سندیکاها و مبارزات



احزاب چپ و سایر نیروهای ترقی خواه بود که از آغاز فعالیتهای شان بر برابری زن و مرد و از میان برداشتن تبعیضات و موانع مشارکت زنان در اسناد کنگره‌ها، اعلامیه و قطعنامه هایشان به کرار مورد تاکید قرار گرفته بود.

بعد از انقلاب بهمن رژیم مسلط بر راس حکومت بیش از همه در حق زنان جنایت و جفا کرد و تلاش وسیعی را برای پس گرفتن حقوق زنان و پس راندن زنان به چهار دیواری خانه‌ها آغاز کرد. تحمیل حجاب اجباری، محدود کردن حق انتخاب شغل و اعمال تبعیض شغلی، محرومیت از حق سفر بدون اجازه همسر، و از انتخاب شدن در مشاغل مهم همچون رئیس جمهوری و قاضی، گرفتن حق سرپرستی فرزندان، کم کردن سهم زنان از ارث، تغییر قانون خانواده علیه زنان، شروع کرد و به رغم مقاومت و مبارزات زنان علیه این تعرضات ارتجاعی و زن ستیزانه جاهلان صاحب قدرت توانستند بخشی هایی از حاصل مبارزات زنان و نیروهای حامی حقوق زنان را مصادرات کنند. از همه این اعمال زن ستیزانه، اما پرهزینه تر و مخرب تر ایجاد محدودیت های متعدد بر سر راه اشتغال زنان، ادامه و تشدید تبعیض مزدی، تبعیض در استخدام و محدود کردن امکانات و ملزومات کار زنان است. اجرای این سیاستها باعث بیکاری و رانده شدن زنان از بازار اشتغال و سقوط سطح زندگی اکثر زنان به زیر خط فقر و خط مطلق فقر گردیده است و اگر بپذیریم استقلال زنان بدون داشتن توان اقتصادی مکفی میسر نیست می توان نتیجه گرفت که تا چه حد کامیابی زنان در بالا بردن سهم شان از بازار اشتغال و از بین بردن تبعیضات مزدی و شغلی در مبارزه علیه سایر تبعیضاتی که علیه آنان اعمال می شود اثر عمیق بجا خواهد گذاشت. البته با وجود یک رژیم زن ستیز دارای تفکر پوسیده قرون وسطایی که به جهت پیشبرد اهداف انسان ستیزانه اش بستن بازار کار بر روی زنان را چاره خودش تشخیص داده است، عبور از محدودیت های دشوار ولی ناممکن نیست.

تجربه جنبش زنان در کشورهای مختلف نشان می دهند در هر کجا که زنان توانسته‌اند خود را در سطح وسیع سازمان دهند و با گروه های دمکراتیک مختلف پیوند و نزدیکی بر قرار نمایند نتایج بهتری به دست آورده‌اند.

تلاشهایی که در دهه های اخیر برای سازماندهی جنبش زنان به عمل آمده بدون دستاورد نبوده، ولی چون اکثر این تلاشها محدود به لایحه های بالایی و متوسط جامعه بوده و تلاش درخوری برای همراه کردن لایحه های زحمتکش و کارگر با خود نکرده است نتوانسته اند گروه بزرگی از زنان را متشکل نمایند و مانع عمده‌ای بر سر راه سیاستهای زن ستیزانه حکومت بوجود آوردند. واقعیت این است که سازماندهی زنان خارج از محل های کار و خارج از اتحادیه های کارگری بسیار دشوار می نماید. هنوز هم مهمترین تشکیلات برای دفاع از مبارزات زنان در راه برابری اتحادیه های کارگری و احزاب سیاسی چپگرا هستند. متشکل شدن شمار بزرگی از زنان فرهنگی در شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان که یک تشکل اتحادیه‌ای سراسری است به قدر کافی توضیح دهنده و آموزنده است.

جنبش زنان وسیع و رزم جو ولی پراکنده است و برای کامیابی نیاز به سازماندهی وسیع و بر قرار پیوندهای پایدار با جنبش های دیگر اجتماعی نظیر جنبش کارگری و سندیکایی و جنبش معلمان که زنان نیز در آن نقش مهمی به عهده دارند می باشد.

از مبارزات و مطالبات معلمان و فرهنگیان حمایت کنیم!

اعتصاب و تشکل جزء حقوق بدیهی کارگران و مزد و حقوق بگیران است!



کار بی ثبات: قاعده یا استثنا در سرمایه داری؟ بخش دهم و پایانی

الویسا پتی



کراچی، پاکستان، اکتبر ۲۰۱۷: تجمع کارگران علیه کار بی ثبات در شل

تلقی از کار بی ثبات به عنوان یک قاعده در نظام سرمایه داری و فهم از ثبات شغلی – همراه با فورדיسم و "مدل اشتغال استاندارد" به عنوان یک استثنا، هم از زاویه تئوریک و هم از منظر سیاسی پیامدهای متعددی دارد. اولاً، این رویکرد مستلزم نگاه محتاطانه تری به به اصطلاح عصر طلایی قرن بیستم، در کوشش برای درک ویژگیهای آن، هم از نظر سیاسی و هم از نظر اجتماعی-اقتصادی، است. به نظر می‌رسد در این ارتباط رویکرد عمومی جنسیتی برای فراتر رفتن از گفتمان معیارگزار فورديسم رویکرد مفیدی باشد. این رویکرد نشان داده است که گفتمان مذکور یک مدل اروپامحور و ناتوان از دیدن جهات جنسیتی در مناسبات کار است.

قاعده مندی "استثنا" - ادامه

علیرغم محدودیت‌های مفهوم کار بی ثبات در مطالعات میدانی، این مفهوم به طور فزاینده ای در دهه گذشته در سطح جهانی برای بررسی شرایط کار در مرحله پایانی سرمایه‌داری به کار گرفته شده است، و بیشتر و بیشتر به عنوان مفهومی کاملاً متضاد با "کار شایسته" که توسط سازمان بین المللی کار طرح و تبلیغ می‌شود، به کار گرفته شده است. تأثیر این امر بر استراتژیهای شرکتهای چندملیتی ناظر بر شرایط کارگران و بر زنجیره کار جهانی کالاها و خدمات، از زمره نتایج بی‌ثبات کاری در قرن بیست و یکم است. تحقیقات تطبیقی بسیاری وجود دارند که گسترش کار بی ثبات را در کشورهای کمونیستی سابق در دوران گذار از اقتصاد برنامه ریزی شده به بازار، در آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا بررسی کرده اند. علاوه بر جامعه شناسی، مردم شناسی، قوم نگاری و جغرافیا نیز سهم بسزائی در درک انواع بی ثباتی در سرمایه داری معاصر داشته اند.

نتیجه

تلقی از کار بی ثبات به عنوان یک قاعده در نظام سرمایه داری و فهم از ثبات شغلی – همراه با فورديسم و "مدل اشتغال استاندارد" به عنوان یک استثنا، هم از زاویه تئوریک و هم از منظر سیاسی پیامدهای متعددی دارد. اولاً، این رویکرد



مستلزم نگاه محتاطانه تری به به اصطلاح عصر طلایی قرن بیستم، در کوشش برای درک ویژگیهای آن، هم از نظر سیاسی و هم از نظر اجتماعی-اقتصادی، است. به نظر می‌رسد در این ارتباط رویکرد عمومی جنسیتی برای فراتر رفتن از گفتمان معیارگزار فوردیسم رویکرد مفیدی باشد. این رویکرد نشان داده است که گفتمان مذکور یک مدل اروپامحور و ناتوان از دیدن جهات جنسیتی در مناسبات کار است. بازاندیشی دوره ۱۹۴۵-۱۹۷۵ از طریق یک دیدگاه عمومی جنسیتی، موجب تردید در ثبات شغلی ادعایی است که در آن دوره گسترش یافت، اما شامل زنان، مهاجران و کارگران حاشیه‌ای در کشورهای غربی و همچنین کارگران جنوب جهانی نمی‌شد. این رویکرد همچنین می‌تواند به درک این نکته کمک کند که وجود این بازیگران تا چه اندازه برای تثبیت تدریجی پرولتاریای مرکزی غرب (کارگران مرد بزرگسال بومی) در دوران فوردیسم مؤثر بوده است.

علاوه بر این تشخیص کار بی ثبات به عنوان قاعده کار در سرمایه داری معاصر موجب بازنگری کامل در پلانقرم اساسی حقوق اجتماعی است که به شرایط کارگران اختصاص دارد. در واقع، در برخی از کشورهای غربی، مادام که مقررات رفاهی مطرح اند، هنوز و همچنان مدل معیارگزار فوردیسم در کار است. کارگران با کار بی ثبات غالباً از زاویه حقوق اجتماعی به عنوان "دیگر گروه های کارگر" منظور می‌شوند؛ یعنی کارگرانی که از امکانات رفاهی مشابهی که برای "کارگران استاندارد" (کارگران با قراردادهای ثابت تمام وقت) تضمین شده، برخوردار نیستند. تحقیقی که اخیراً به ابتکار سازمان بین المللی کار انجام یافته تأکید دارد که اقدامات قانونی طراحی شده برای حمایت از کارگران بی ثبات هنوز مبتنی بر "مدل استخدام استاندارد" اند و این ما را از چاره اندیشی برای مقررات کاری جدید و چارچوب های نظارتی در شمال و جنوب جهانی بازمی‌دارد.

به عبارت کلی تر، بحث در مورد کار بی ثبات به عنوان قاعده یا استثنا در سرمایه داری، قدرت گفتمان معیارگزاری چون "مدل استخدام استاندارد" را در شکل گیری درک و تعریف پدیده های تاریخی مانند کار بی ثبات و بی ثباتی شغلی به اثبات رسانده است. این بحث به وضوح نسبت قاعده ها را نشان داده است. قاعده ها و استثنائات بر اساس یک چارچوب نظری هژمونیک تعریف می‌شوند. آنها بر اساس شواهد تجربی متقن ساخته نشده اند، بلکه بر اساس گفتمانهای معیارگزاری که منعکس کننده مدل‌های اجتماعی-فرهنگی خاصی هستند، که در زمان و مکان معینی غالب اند، ساخته می‌شوند. قاعده سازی مدل استثنایی، مانند مدل استاندارد اشتغال و فوردیسم نیز به شرایط ذهنی و عینی بازیگران اجتماعی درگیر در این فرآیند بستگی دارد. در واقع، استثنایی بودن مدل استخدام استاندارد و نیز قاعده بودن کار بی ثبات در تاریخ سرمایه داری به لطف رویکردی غیرهژمونیک آشکار شده است، و قاعده معیارگزاری را که قبلاً از طریق روش‌های تجربی و نظری بدیهی فرض می‌شد زیر سؤال برده است.

**۸ مارس روز جهانی زن و روز مبارزه علیه تبعیض و نابرابری و ستم جنسیتی بر زنان
آزاده و مبارز مبارک باد!**

از مبارزه زنان علیه تبعیض و نا برابری حمایت کنیم!



اشتغال دغدغه اصلی زنان

صادق



کل سهم اشتغال زنان طی یک دوره ۱۵ ساله بین ۱۶ تا ۱۷ درصد بوده که در سال گذشته به ۱۳ و نیم درصد تقلیل پیدا کرده است.

طی ۱۵ سال یعنی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ تنها ۳۰۰ هزار زن توانسته‌اند شغل جدید پیدا کنند. و این در حالی است که ۷۱ درصد بیکاران زن دارای مدرک تخصصی دانشگاهی هستند. مطابق آمارهای رسمی تعداد زنان بیکار که برای یافتن کار ثبت نام کرده‌اند دو برابر مردان بیکار و بیش از ۲۷ درصد است. کل زنان شاغل در ایران گفته می‌شود به زحمت ممکن است به ۴ میلیون نفر برسد.

مدتی پیش اداره آمار سهم زنان از اشتغال را ۱۳ و نیم درصد اعلام کرد، این آمار حدود ۳ و نیم درصد کمتر از متوسط نرخ اشتغال زنان طی یکی دوره ۱۵ ساله، "۸۴ تا ۹۹" و یک سوم سهم زنان در جهان است. به عبارتی رانده شدن زنان ایران از بازار کار علی الحساب به پدیده‌ای پایدار تبدیل شده و کلاً با وجود افزایش میلیون‌ها نفر به جمعیت کشور سهم زنان از بازار اشتغال تقلیل پیدا کرده است. این در حالی است که متوسط سهم جهانی زنان به ۳ برابر سهم زنان در ایران رسیده است.

مطابق آمار اداره کار در سال ۹۸ در مقابل ۱۹ میلیون و ۹۵۳ هزار شغل که در اختیار مردان قرار داشته، ۴ میلیون و ۳۲۰ هزار هم در اختیار زنان بوده است که سهم زنان در سال ۹۹ قریب ۱۵ درصد هم کاهش داشته و به زیر ۴ میلیون سقوط کرده است. یعنی اینکه سهم زنان نهایتاً در سال گذشته از اشتغال کمتر از یک پنجم سهم مردان بوده است. کاهش سهم مردان در همین بازه زمانی تنها ۱،۷ درصد یعنی حدود ۸ برابر کمتر از بیکار شدن زنان در ۱۳۹۹ بوده است.

کل سهم اشتغال زنان طی یک دوره ۱۵ ساله بین ۱۶ تا ۱۷ درصد بوده که در سال گذشته به ۱۳ و نیم درصد تقلیل پیدا کرده است.

طی ۱۵ سال یعنی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ تنها ۳۰۰ هزار زن توانسته‌اند شغل جدید پیدا کنند. و این در حالی است که ۷۱ درصد بیکاران زن دارای مدرک تخصصی دانشگاهی هستند. مطابق آمارهای رسمی تعداد زنان بیکار که برای یافتن کار ثبت نام کرده‌اند دو برابر مردان بیکار و بیش از ۲۷ درصد است. کل زنان شاغل در ایران گفته می‌شود به زحمت ممکن است به ۴ میلیون نفر برسد.

براساس آمارهای منتشره مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری زنان جوان ۱۸ تا ۳۵ ساله با ۳/۵ درصد رشد نسبت به بهار سال گذشته به "۲۷/۸...". درصد در بهار ۱۴۰۰ رسیده است.



و نیم میلیون از زنان سرپرست خانواده نیز هستند که از لحاظ درآمد جزء دهک های پایین جامعه قرار دارند. بنا به گفته "ایلا فلاحتی" ۳ مدیر کل بین الملل معاونت امور زنان و خانواده در دولت روحانی، ایران از لحاظ شکاف جنسیتی در بین ۱۴۴ کشور در رده ۱۴۰ قرار دارد. یعنی اینکه تنها ۴ کشور از ما عقب تر هستند. این آمار متعلق به سه چهار سال قبل است، اما وضع ایران در این خصوص اگر پسرقت نکرده باشد، پیشرفت هم نکرده است. به عبارتی اشتغال و پیدا کردن کار به دغدغه اصلی همه روزه زنان تبدیل شده است

افزایش زنان فارغ التحصیل شده و پیشی گرفتن تعداد شان از مردان که تصور می شد موجب افزایش سهم آنان از بازار کار شود درست از کار در نیامده است. آیا غیر از این باید باشد که عمدی در کار بوده است تا سهم زنان از اشتغال عملاً موجود این همه تقلیل پیدا کند؟ یقیناً عمدی در کار بوده و هست. چرا که طبق آمار سهم بخش دولتی از اشتغال زنان کمتر از یک چهارم در بخش خصوصی است و در طی همه سالها شاهد تلاشهای رژیم برای کاهش سطح اشتغال زنان و خانه نشین کردن آنان بوده ایم. وضع قوانین جدید برای تشویق زنان به فرزند آوری و تبلیغات و تشویق های نقد و نسیه مسئولین حکومتی برای افزایش جمعیت، افزایش مرخصی زایمان و اقداماتی از این دست هیچکدام شان بی ارتباط با کاهش سهم زنان از بازار کار نیست. فقط قضیه مربوط به تبدیل زنان به ماشین فرزند آوری نیست، بخشی از قضیه مسلکی و ایدولوژیکی است

اشتغال که یکی از مهمترین شاخص های اندازه گیری پیشرفت زنان و برابری محسوب می شود. متأسفانه همه آمار ها اعم از رسمی و غیر رسمی حکایت از کاهش نرخ مشارکت زنان در زمینه اشتغال و بیشتر شدن تبعیض مزدی میان زنان و مردان در ۱۵ سال اخیر دارد. بی شک بیکاری گسترده سهمی در تبعیض مزدی دارد و نقش عامل تشدید کننده آن را داشته و دارد، اما همه علت آن نیست. تبعیض مزدی یا بخشا از طرف دستگاه های اداری دیکته می شود و یا خیلی از کارفرمایان بخش خصوصی خود به ملاحظه سودافزایی دستمزد و حقوق کمتری به زنان می دهند. وجود بیکاری بسیار گسترده تر در میان زنان باعث می شود که اکثر آنان از روی ناچاری برای گرفتن کار تن به دستمزدهای بسیار کمتر بدهند و لب بر تبعیضاتی که علیه شان اعمال می شود بربندند. در ماده ۳۸ و ۶ قانون کار البته اعمال هر نوع تبعیض از آن جمله تبعیض جنسیتی و مزدی در کارهای یکسان ممنوع شده اند. با این همه این قانون که خیلی هم کم ابهام نیست توسط خود دولت هم زیر پا گذاشته می شود و یا باب طبع مدیران دولتی و کارفرمایان تفسیر و تعبیرهای وارونه ای از آن هنگام تعیین دستمزد صورت می گیرد ابهامات موجود در قانون کار و نفی کلی تبعیض بدون ذکر مصادیق آن در مواد مربوطه نیز دست مدیران را در تفسیر دلخواسته قانون باز می گذارد. خلاصه اینکه از مزد مساوی در مقابل کار مساو در عمل اثری باقی نمی گذارند. برای مثال در یک شغل و پست معین برای یک متقاضی مرد حقوق بیشتری از متقاضی زن با همان شرایط داده می شود. توجیح آن هم این است که مرد سرپرست خانواده محسوب می شود و زن گویا نمی تواند سرپرست خانواده باشد و اگر هم باشد واجد شرایط به حساب آورده نمی شود. همین چند هفته پیش در مورد عیدی کارکنان دولت به کارکنان مرد ۴۰۰ هزار تومان بعنوان حق اولاد قرار شد بدهند ولی به زنان کارمند ندادند. فاکت و نمونه در این خصوص بسیارند. این وضع متأسفانه اگر چاره ای برای آن اندیشیده نشود سال به سال بدتر خواهد شد. چاره کار نیز چیزی غیر از سازمانیابی زنان شاغل به همراه همکاران مرد شان در اتحادیه های کارگری و کارمندی و فعالیت و مبارزه مشترک نیست

حتا در کشورهای اسکانديناوی که از این لحاظ گل سر سبد دنیا محسوب می شوند با وجود آزادی های سیاسی و اتحادیه ها و احزاب کارگری نیرومند و مبارزات طولانی زنان تبعیض مزدی هنوز بکلی محو نشده است و از مهمترین دغدغه های سازمانهای زنان و نیروهای ترقی خواه در روز جهانی زن هستند

یک جنبش تنها زمانی قادر می شود خواسته های خود را از فعل به عمل در آورد که منسجم و سازمان یافته باشد و اهداف خودش را مدون کرده باشد

علیه تبعیض مزدی برای دستمزد برابر زنان با مردان مبارزه کنیم!

موانع اشتغال زنان باید برداشته شوند!

برای مبارزه موثر علیه تبعیض و نابرابری جنسیتی در حوزه کار و اشتغال ضرورت

درد زنان در اتحادیه های کارگری متشکل شوند!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



ما شرایط نا مساعد و غیر بهداشتی زندان و محروم کردن سپیده از دارو و درمان را علت اصلی ابتلای این زندانی سیاسی مبارز و بیگناه و حق طلب به کرونا می دانیم و خواستار آزادی بلادرنگ سپیده از زندان برای معالجه و زیستن بدون مزاحمت او در کنار خانواده و بستگانش هستیم

ادامه اعتراضات معلمان حق التدریسی

تظاهرات وسیع معلمان حق التدریسی که از هفته گذشته در اعتراض به بلا تکلیفی استخدامی شان شروع شده بود در این هفته نیز ادامه پیدا کرد و ۷ روز را پشت سر نهاد. خواست اصلی بالغ بر ۹۰ هزار نفر معلم حق التدریسی و کارنامه سبزها استخدام توسط آموزش و پرورش مطابق توافقات گذشته است. معلمان می گویند دانشگاه فرهنگیان را با موفقیت گذرانده و در آزمون هم قبول شده اند و قرار بوده آموزش و پرورش حق التدریسی ها در چند مرحله استخدام نماید ولی تا کنون طفره رفته اند. گفتنی است که آموزش و پرورش به معلمان زیادی نیاز دارد ولی از استخدام حق التدریسی ها که شرایط لازم را دارند امتناع می کند. حقوق ماهانه این گروه از معلمان بین دو تا دو نیم میلیون است که از حداقل دستمزد کارگران ساده هم کمتر است. گفته می شود آموزش و پرورش برای اینکه به حق التدریسی ها حقوق مکفی ندهد آنان را استخدام نمی کند و از آنان به عنوان نیروی کار ارزان بهره کشی می کند.

تظاهرات بازنشستگان در بیش از ۱۵ شهر

در یکشنبه این هفته بار دیگر و به دعوت ده ها تشکل مستقل بازنشستگان شمار کثیری از بازنشستگان در بیش از ۱۵ شهر به خیابان آمدند و خواستار اجرای واقعی همسان سازی واقعی و دائمی کردن آن، افزایش حقوق های بازنشستگی، بیمه و درمان کارآمد و رایگان شدند.

در خواست پرداخت بدهی ۴۵۰ هزار میلیاردی دولت به تامین اجتماعی و دست کشیدن از دست اندازی به اموال تامین اجتماعی و سپردن مدیریت تامین اجتماعی به صاحبان واقعی آن از دیگر مطالبات بازنشستگان بودند. در تجمع های بازنشستگان شعارهایی نیز در راستای مطالبات بازنشستگان و علیه رویکرد دولت و مجلس داده شد.



هفتگی شدن تجمع های بازنشستگان نشان می دهد که آنان به رغم بی اعتنایی های دولت و مجلس به خواسته ها ایشان مصمم به ادامه مبارزات حق طلبانه خود تا نیل به موفقیت هستند، زیرا با مستمری های ناچیز بازنشستگی و گرانی روز افزون هزینه دارو و مواد غذایی نمی توانند روزگارشان را بگذرانند

تداوم اعتصاب کارگران کاغذ سازی پارس

اعتصاب کارگران کارخانه کاغذ سازی پارس در هفت تپه شوش روز پنجشنبه ۱۲ اسفند نیز تداوم یافت و وارد هشتمین روز خود شد. کارگران اعتصابی خواستار افزایش دستمزد، حذف شرکتهای پیمانی فعال در شرکت و تبدیل وضعیت شغلی شان از پیمانی به قرارداد مستقیم شدند. کارفرما در این مدت تلاش نموده با سکوت و امتناع از مذاکره یا پذیرش خواسته های کارگران آنان را مایوس و نا امید کند. این رفتار یکی از شگردهای شناخته شده صاحبان شرکتهای پیمانکاری در مقابل اعتراضات کارگران است

اعتصاب کارگران فصلی در هفت تپه

به گزارش کانال تلگرامی سندیکای هفت تپه کارگران فصلی این شرکت در ۹ اسفند در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی اعتصاب و تجمع کردند. کارگران شرکت کننده در اعتصاب خواهان تامین امنیت شغلی شان با انعقاد قرارداد قانونی و ثابت شدند. گفتنی است کارگران زحمتکش فصلی روز مزد و فاقد قرار داد و امنیت شغلی هستند و قبلا نیز اعتراض کرده بودند ولی به آن توجه نشده بود

تجمع اعتراضی سه روزه نگرهبانان پیمانی معدن ذغال سنگ سنگرود

نفر از نگرهبانان معدن سنگرود از ۳ روز پیش در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان در ۳ ماه گذشته اعتصاب و در ۲۵ محوطه معدن تجمع کردند. به گزارش ایلنا این اعتصاب که از ۱۰ اسفند آغاز شد، با وجود گذشت ۳ روز به دلیل عدم رسیدگی مدیران معدن به خواسته ها کارگران همچنان ادامه دارد. پرداخت نکردن مطالبات مزدی کارگران در آستانه عید نوروز ظلم مضاعفی است علیه کارگران زحمتکش. خلاف قانون است و متخلفین از آن بایستی از طرف اداره کار تحت پیگرد قرار بگیرند

کارگران شهرداری کوه عبدالله دوباره اعتراض کردند

کارگران شهرداری کوه عبدالله نزدیک به دو هفته است که در اعتراض به پرداخت نشدن منظم و کامل مطالبات مزدی شان در اعتصاب به سر می برند. کارگران معترض که در مقابل استانداری تجمع کرده بودند خواستار پرداخت مطالبات مزدی خود شدند. به نوشته ایلنا ظاهرا علت پرداخت نشدن مطالبات کارگران کمبود بودجه است و سالهاست که شهرداری به بهانه نداشتن بودجه کارگران زحمتکش شهرداری را سر می دواند

ابتلای سپیده قلبان به کرونا در زندان

بنا به گفته خانواده سپیده قلبان، سپیده در زندان اوین برای دومین بار به کرونا مبتلا شده و حال و روز خوشی ندارد. با این وصف و به رغم وخامت حال مزاجی سپیده زندانبانان جنایتکار از فرستادن سپیده به مرخصی پزشکی جهت درمان در خارج زندان امتناع می کنند و خانواده سپیده را در نگرانی و اضطراب نگه داشته اند. گفته می شود او در حال حاضر از بدن درد، تب و درد کلیه و خونریزی معده رنج می برد

ما شرایط نا مساعد و غیر بهداشتی زندان و محروم کردن سپیده از دارو و درمان را علت اصلی ابتلای این زندانی سیاسی مبارز و بیگناه و حق طلب به کرونا می دانیم و خواستار آزادی بلادرنگ سپیده از زندان برای معالجه و زیستن بدون مزاحمت او در کنار خانواده و بستگانش هستیم



مرگ درناک و غم انگیز دو معدن کار افغانستانی در اثر انفجار معدن ذغال سنگ

به گزارش خبرنگار ایلنا، منابع کارگری مازندران گزارش کردند: حوالی ساعت ۱۰:۱۷ روز شنبه (۷ اسفند)، دو کارگر معدن زغال سنگ واز تنگه شهرستان نور حین کار در تونل بر اثر انفجار گاز متان دچار حادثه ریزش تونل شدند. یکی از کارگران در ساعت اولیه و نفر بعدی پس از حدود دو ساعت جستجو از زیر آوار خارج شدند

از قرار معلوم، هر دو کارگر با ۲۷ و ۲۴ سال سن از تبع کشور افغانستان در محل حادثه جان باختند و اجساد آنها به سردخانه بیمارستان نور منتقل شد

علت دقیق حادثه و جزئیات آن هنوز اعلام نشده اما با دستور دادستان بخش چمستان معدن زغال سنگ روستای واز تنگه تا اطلاع ثانوی تعطیل اعلام شده است

از اعتراضات و مطالبات کارگران و مزد و حقوق بگیران حمایت کنیم!

دستمزد و حقوق و سایر مطالبات کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته باید به موقع و منظم پرداخت شود!

فردا و پس فردا اعتصاب سراسری

ما کارگران اجرایی پروژه ای پارس جنوبی، پالایشگاه ها و پتروشیمی خواستار پرداخت بموقع دستمزدها و تسویه حساب کامل تا پانزدهم اسفند ماه هستیم

همانطور که در آخر سال است و پیمانکاران در توطئه نپرداختن دستمزدها هستند. و نه تنها این بلکه از عیدی و پاداش هم خبری نیست جریان هستید. پیمانکاران متحد شده اند که دستمزدها را فقط تا پایان ماه ۹ بدهند و پرداخت سه ماه دیگر را به سال ۱۴۰۱ موکول کنند. ما کارگران نفت این تعرض آشکار را نمی پذیریم و بدلیل اضطراری بودن موضوع آنهم در آستانه نوروز و سنگینی فشار اقتصادی بر زندگی مان فردا پانزدهم و نیز شانزدهم در تمام کارگاههای نفت و گاز خصوصا در عسلویه و پتروشیمی ها اعتصاب اعلام میکنیم و دست از کار خواهیم کشید و مقابل کارگاهها تجمع خواهیم کرد. یکبار دیگر همه با همه متحد شویم و مقابل این سرقت آشکار را بگیریم شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

اسفند ۱۴۰۰





تجمع بازنشستگان نیشکر هفت تپه و کاغذپاس شوش
محوطه اداری تأمین اجتماعی
اسفند/۱۴۰۰/۱۵



اعتراض بازنشستگان هما به واگذاری صندوق بازنشستگی از طریق لایحه بودجه در ۱۵ اسفند

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>